

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

ناکارآمدی عامل گرانی

نوبنیاد از پشت پرده یک پروژه رسانه‌ای برای
لاپوشانی نقش سیاست‌های دولت در گرانی‌های
اخیر گزارش می‌دهد؛

۴



قدرت‌نمایی در هرمز

ساعتی پس از ادعای ترامپ مبنی بر امکان عبور و مرور آزاد از تنگه هرمز، نیروهای نظامی حاضر در خلیج فارس، تعدادی موشک، راکت و پهپادهای رزمی به سمت ناوگروه‌های آمریکایی که به سوی تنگه هرمز حرکت می‌کردند شلیک کرد تا عملاً این تنگه راهبردی بدون اراده و خواست ایران همچنان بسته بماند.



سیاست خارجی

ایران هم
ابر قدرت
است

صفحه ۵

اقتصادی

از سیاست ارزی تا
گرانی‌ها؛ چه کسی
پاسخگوست؟

صفحه ۲

سیاسی

دستگاه قضایی با قاطعیت مشغول برخورد
بامزدوران سیا و موساد است.
سیلی عدلیه به ترامپ

دستگاه قضایی با اعدام تروریست‌های مسلح، پاسخی قاطع به حمایت‌های مداخله‌جویانه ترامپ از مزدوران سیا و موساد داد

سیلی عدلیه به ترامپ

بودند را در دستور کار قرار داد. این اقدام دستگاه قضا در شرایطی که رئیس‌جمهور دولت تروریستی آمریکا به صراحت در حمایت از آشوبگران درآمده و خواستار عدم اعدام آن‌ها شده بود اهمیت مضاعف پیدا می‌کند.

در هفته اخیر قوه قضاییه با اقداماتی امنیتی‌زا و تحسین برانگیز، مجازات و محاکمه تروریست‌های کودتای دی‌ماه و عوامل وابسته به موساد که در اغتشاشات دی‌ماه منجر به شهادت رساندن نیروی‌های مدافع امنیت شده



براندازی نظام در خیابان حاضر خواهیم شد و دوستان خود را نیز به حضور در اغتشاشات دعوت کرده است. او همچنین در تشریح اقدامات خود بیان داشته بود که بعد از شکستن شیشه‌های خودرو با علم به حضور ماموران در خودرو، به دنبال تهیه بنزین برای آتش زدن خودرو بوده که موفق نشده است.

از دیگر موارد برخورد قاطع قوه قضاییه اعدام عرفان کیانی قداره‌کش موساد بود که به سزای اعمالش رسید. این مزدور اجاره‌ای سرویس جاسوسی رژیم صهیونی به جرم حمله به مردم، ایجاد ترس و وحشت و آسیب روحی در روان مردم و تخریب اموال شخصی و عمومی توسط سربازان گمنام امام زمان (عج) در وزارت اطلاعات شناسایی و بازداشت و صبح روز شنبه ۱۵ اردیبهشت اعدام شد.

این اعدام‌ها در شرایط خاص فعلی که عملاً جنگ با جبهه آمریکایی صهیونیستی پایان نیافته است، اهمیتی دوچندان دارد. هم‌اکنون جهت ایجاد امنیت و ارسال پیام هشدار به تروریست‌ها نسبت به هرگونه اقدام مخرب و هم‌تحریر رئیس‌جمهور آمریکا که بارها در این خصوص موضع گیری و دخالت کرده بود.

تعداد زیادی از اغتشاشگران شهید فاطمیه را محاصره کرده بودند و او را مورد ضرب و شتم قرار دادند. نامبرده در اعترافات خود آورده است که در اغتشاشات حضور داشتم، به سمت ماموران حمله کردیم، تا این که دیدم سه نفر از مامورین جا مانده‌اند، ما هم آن‌ها را دنبال کردیم. همین که به اولین مامور رسیدیم یک نفر زیر پای او زد و کنار درخت به زمین خورد. من که بالای سر او رسیدم یقه او را گرفتم و چند ضربه به او در ناحیه صورت زدم.

همچنین در ادامه اقدامات قاطع قوه قضاییه، روز پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت مرکز رسانه قوه از اعدام ساسان آزادوار فرزند ناصر عامل حمله به ماموران نیروی انتظامی در اصفهان خبر داده بود. فردی که به جرم همکاری موثر با دشمن از طریق حمله به ماموران نیروی انتظامی در زمان کودتای دی‌ماه با قصد مقابله با نظام، تخریب خودروی نیروی انتظامی، تحریک مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویق دیگران به اغتشاشات و آشوب در کشور را داشت. نامبرده اعتراف کرده بود که پیش از حضور در تجمعات به دعوت موساد به اطرافیان خود اعلام کرده که با هدف

جعفر کاظمی
روزنامه نگار

روز گذشته مرکز رسانه قوه قضاییه خبر از اعدام ۳ نفر از عناصر موساد، مهدی رسولی فرزند علیرضا، محمدرضا میری فرزند ناصر و ابراهیم دولت‌آبادی داد. عواملی که در کودتای دی‌ماه سال ۱۴۰۴ در مشهد اقدامات خشونت‌آمیز گسترده‌ای انجام داده بودند و در شهادت مظلومانه نیروی حافظ امنیت حمیدرضا یوسفی نژاد و تعدادی از نیروهای حافظ امنیت نقش مستقیم داشتند.

علاوه بر این در ادامه مجازات تروریست‌های اجاره‌ای موساد، روز یکشنبه ۱۳ اردیبهشت قوه قضاییه خبر از قصاص محراب عبداللهی، فرزند محمدامین از عناصر اصلی شهادت سید عباس فاطمیه در اغتشاشات داده بود. عناصری که با اغتشاش در یکی از مناطق ارومیه اقدام به ایجاد راهپندان و تخریب اموال عمومی کرده و مشکلات زیادی را برای شهروندان ایجاد کرده بودند. هم‌زمان با انتشار این خبر، تصاویری از صحنه جنایت دردناک این عامل موساد منتشر شد که مطابق آن، این تروریست در زمان حادثه همراه با

خبر کوتاه

اسماعیلی: با نرم‌افزار «برجام»، ترمز پیروزی تاریخی را نکشید

وزیر ارشاد دولت شهید رئیسی در صفحه شخصی خود در وبلاگ نوشت: وقتی فارین افرز اعتراف می‌کند واشنگتن باید برای صلح، «امتیازات ناخوشایند» بدهد، چرا برخی هنوز با عینک «بده بره» به مسائل نگاه می‌کنند؟! استغناء، بعثت مردم و اقتدار نظامی، دشمن را به زانو درآورد؛ با نرم‌افزار «برجام»، ترمز این پیروزی تاریخی را نکشید.

زارع پور: مردم نگران تبدیل «پیروزی تاریخی» به «خسارت محض» هستند

وزیر ارتباطات دولت شهید رئیسی در حساب کاربری خود در وبلاگ نوشت: مردم بحق نگران هستند در شرایطی که جهان به دست برتر جمهوری اسلامی ایران در میدان اذعان دارد، «برجام بازن» و «فرانچسکو» این «پیروزی تاریخی» را تبدیل به یک «خسارت محض» دیگر نکنند؛ اما این بار فرق می‌کند و مردم بصیر و ولایت‌مدار حاضر در میدان، گوش به فرمان ولی هستند و این اجازه را نخواهند داد.

سپر خلیجی: در مذاکرات با مردم شفاف باشید تا رسانه بیگانه میدان‌داری نکند

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم در صفحه وبلاگ نوشت: شبکه الجزیره جزئیاتی از طرح پیشنهادی ایران به آمریکا منتشر کرده که هنوز هیچ رسانه ایرانی از واقعیت ماجرا مطلع نیست! از «توقف غنی‌سازی» تا آزادسازی تنگه هرمز در ازای برداشته شدن «تدریجی» تحریم‌ها! وقتی شفافیت با مردم در مذاکرات رعایت نشود رسانه بیگانه میدان‌دار روایت می‌شود.

ثابتی: افزایش قیمت خودرو، مصداق سوءاستفاده از شرایط جنگی است

نماینده مردم تهران در اجتماع مردمی میدان امام حسن مجتبی علیه السلام گفت: آن روی سکه‌ی موشک‌های آمریکا، سودجویان داخلی هستند که بنا بر منافع شخصی یا حتی با قصد خیانت می‌خواهند ایجاد ناراضی‌بندی کنند و در اینجا نقش دستگاه‌های نظارتی، امنیتی و قضایی در کنترل بازار بسیار مهم است و باید با کوچکترین سودجویی در شرایط جنگی حداکثر برخورد صورت بگیرد. وی با اشاره به افزایش قیمت تولیدات ایران خودرو و سایپا گفت: بهانه آنها برای کمبود مواد اولیه پذیرفتنی نیست چون انبارهای شان پر از مواد اولیه تهیه شده قبل از جنگ است و این افزایش قیمت، مصداق سوءاستفاده از شرایط جنگی است که دستگاه‌های نظارتی باید با آنها برخورد کنند نه آنکه فقط تماشا کنند.

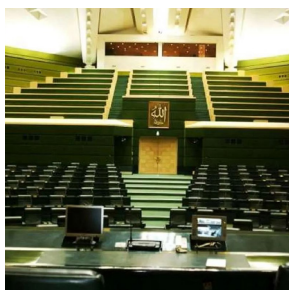
چهرمی: محاصره دریایی هیچ تناسبی با آتش‌بس ندارد

سخنگوی دولت شهید رئیسی در حساب کاربری خود در وبلاگ نوشت: از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه هیچ دولتی مجاز نیست حتی در جنگ دریایی در جایجایی کالاهای اساسی و دارویی و مایحتاج عمومی خللی ایجاد کند. این روش جنگ در امتداد جنگ هوایی قبلی و مشابه جنگ موجود در لبنان نه تنها هیچ تناسبی با مفهومی بنام آتش‌بس ندارد بلکه ناقض اصول حقوق بشردوستانه در زمان جنگ نیز هست. وی افزود: هم‌زمان با پاسخ مشابه به «جنگ دریایی»، باید با دیپلماسی حقوقی و رسانه‌ای فعال برای نمایش عدم مشروعیت اقدامات دشمن، با تمام توان فعال بود.

بهارستان

هیات رئیسه، مجلس را به راس امور بازگرداند

روز گذشته ۶۱ نماینده مجلس شورای اسلامی در بیانیه‌ای اعلام داشتند: هرگونه اقدام و تصمیم، باید دقیقاً در چارچوب منویات معظم‌له تعریف و اجرا شود. همچنین در این بیانیه تأکید شد: تحقق کامل و پربرکت "وحدت کلمه" تنها حول ولایت و پیام‌های صادره از این جایگاه، شکل خواهد گرفت و افراد و جریان‌ها باید خود را با محور امامت تنظیم کنند. در ادامه این بیانیه آمده است: تلاش‌های صورت‌گرفته در عرصه دیپلماسی، زمانی شایسته تقدیر و حمایت خواهد بود که به صورت کامل و بی‌کم‌وکاست در مسیر تحقق شروط و خطوط قرمز ترسیم‌شده از سوی رهبر معظم انقلاب قرار داشته باشد و خروجی آن، تأمین قطعی حقوق ملت ایران باشد. همچنین از قوه قضاییه به جهت اجرای قانون درباره تعدادی از مجرمان و جاسوس‌ها و پیاده نظام دشمن در کودتای دی‌ماه ۴۰۴ مطالبه شد تا با عوامل اصلی و دانه درشت آن کودتا که در کلام امام شهید و پیام امام جدید به آن تصریح شده، اقدام قاطع، علنی و عبرت‌آموز داشته باشند. علاوه بر این نمایندگان مجلس اعلام کردند: با توجه به عدم برگزاری جلسات صحن مجلس از ابتدا جنگ تاکنون و توجه به این نکته که هیچ پایان روشنی بر جنگ فعلی قابل تصور نیست، از هیات رئیسه‌ی محترم درخواست داریم در این باره از بن بست خارج شده و خانه‌ی ملت را به راس امور تصمیم‌گیری کشور بازگردانند. در بخشی دیگری از این بیانیه آمده است: روش‌های مختلفی برای عدم اختلال در نظام قانون‌گذاری و نظارت و هم‌اندیشی عموم نمایندگان قابلیت اجرایی دارد.



عبرت دیپلماسی از خطای راهبردی در اسلام‌آباد

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس به نقل از عراقچی وزیر امور خارجه، هرگونه مذاکره با آمریکا در حوزه موضوعات هسته‌ای را تکذیب کرد. ایراهیم رضایی در توضیح جلسه دیروز کمیسیون متبوع خود با عراقچی گفت: طبق توضیحات وزیر خارجه، در حال حاضر مذاکراتی با دشمن در حوزه هسته‌ای نداریم و برای هر سناریویی آمادگی داریم. روز گذشته همچنین اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست خبری تصریح کرد: «موضوعاتی که درباره غنی‌سازی یا مواد هسته‌ای مطرح می‌شود، صرفاً در حد گمانه‌زنی است و ما در این مرحله درباره هیچ چیز دیگری جز توقف خاتمه کامل جنگ صحبتی نداریم و اینکه در آینده به چه سمت و سویی رویم، در همان آینده مشخص خواهد شد.» تاکید وزیر و سخنگوی وزارت امور خارجه بر نفی هرگونه مذاکره با آمریکا در حوزه موضوعات هسته‌ای پس از آن مطرح می‌شود که طرح این موضوع در مذاکرات اسلام‌آباد به روایت نویبان نماینده مجلس و عضو هیات مذاکره‌کننده، موج گسترده‌ای از انتقادات را برانگیخت. موضوعی که تحت عنوان خطای راهبردی در مذاکرات پاکستان مطرح شد و تاکنون نیز پاسخ شفاف و صریحی نسبت به آن صورت نگرفت. رهبر معظم انقلاب در بیانیه اخیرشان به مناسبت روز ملی خلیج فارس بر حفظ و حراست از ظرفیت هسته‌ای کشور تاکید ویژه‌ای داشتند و فرمودند: «نود میلیون هموطن غیور و شریف ایرانی داخل و خارج از کشور، تمامی ظرفیت‌های هویتی، معنوی، انسانی، علمی، صنعتی و فناوری‌های پایه‌ای و نوین. از نانو و بیو تا هسته‌ای و موشکی. را سرمایه‌ی ملی خود فرض کرده و همچون مرزهای آبی، خاکی و هوایی پاسداران خواهند بود.»



تصمیم رئیس جمهور آمریکا درباره عملیات نظامی در تنگه هرمز با اقدام قاطع نیروهای مسلح ایران به شکست انجامید

قدرت‌نمایی در هرمز

همزمان با اعلام رئیس جمهور آمریکا مبنی بر عملیات نظامی جدید در تنگه هرمز با هدف بازگشایی این تنگه و عبور بدون چالش شناورهای کشورهای مختلف از آن، نیروهای مسلح کشورمان اعم از نیروی دریایی سپاه و نیروی دریایی ارتش، قاطعانه به قدرت‌نمایی و اعمال قدرت در آب‌های جنوب ایران پرداختند تا یکبار دیگر برای ترامپ تفهیم شود که حکمرانی ایران بر تنگه هرمز، امری تثبیت شده است و لغاطی‌ها تغییری نمی‌کند.

جعفر کاظمی

روزنامه نگار

شامگاه روز یکشنبه رئیس جمهور آمریکا طی پیامی از تصمیم جدید این کشور برای تغییر مناسبات تنگه هرمز خبر داد و نوشت: به کشورها گفته‌ام که کشتی‌هایشان را به طور ایمن از این آبراه‌های محدود شده هدایت خواهیم کرد تا بتوانند آزادانه و به درستی به فعالیت‌های خود ادامه دهند. او همچنین تهدید کرد اگر به هر شکلی در این روند بشردوستانه اختلال ایجاد شود، متأسفانه با آن اختلال باید با قاطعیت برخورد شود! تصمیم جدید ترامپ برای عملیات نظامی در تنگه هرمز پس از آن اتخاذ شد که سیاست قبلی او در این حوزه با عنوان محاصره دریایی ادعایی عملاً به شکست انجامیده بود و افزایش قیمت‌ها در بازارهای جهانی به اهرم فشاری جدید علیه آمریکا و به نفع ایران تبدیل شد. با این حال اقدام جدید ترامپ نیز در نطفه خفه شد و به جای بازگشایی تنگه هرمز، دوباره از اعتبار نظامی آمریکا در جهان کاست.

از صبح روز گذشته و همزمان با آغاز عملیات آمریکا بی‌ها در منطقه، نیروهای مسلح ایران ابتکار عمل را به دست گرفته و با بیان شدیدترین تهدیدات و اعمال سیادت ایران بر تنگه، شانس موفقیت آمریکا در پروژه جدید را به صفر رساندند.

دروغ سنکام و تکذیب سپاه

در چنین فضایی، سنکام به دروغ مدعی عبور دو شناور آمریکایی از تنگه هرمز شد که با واکنش صریح سپاه مواجه شد. عصر دیروز روابط عمومی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد: هیچ‌گونه شناور تجاری و نفتکش در ساعات گذشته از تنگه هرمز عبور نکرده و ادعاهای مقامات آمریکایی بی اساس و کذب محض است و سایر تحرکات دریایی مغایر با اصول اعلامی نیروی دریایی سپاه با مخاطرات جدی مواجه و شناورهای متخلف با قدرت متوقف خواهند شد.

هشدار صریح قرارگاه خاتم

در این راستا نخست سرلشکر خلبان علی عبداللهی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا روز دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۴۰۵ در پیامی تاکید کرد: مکرر اعلام کرده‌ایم امنیت تنگه هرمز در اختیار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و در هر شرایطی هرگونه عبور و مرور امن، با هماهنگی نیروهای مسلح صورت می‌گیرد. فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا (ص) در پیام خود تاکید کرد: ما با تمام توان امنیت تنگه هرمز را حفظ و بر قدرت مدیریت می‌کنیم و به تمام کشتی‌های تجاری و نفتکش اعلام می‌کنیم از هرگونه اقدامی برای تردد بدون هماهنگی نیروهای مسلح مستقر در تنگه هرمز خودداری نمایند تا امنیت آن‌ها به خطر نیفتد. در ادامه این پیام آمده است: هشدار می‌دهیم هر نیروی مسلح بیگانه خصوصاً ارتش متجاوز آمریکا، چنانچه قصد نزدیک شدن و ورود به تنگه هرمز را داشته باشد، مورد تهاجم قرار خواهد گرفت.

شناورها همچنان با سپاه هماهنگ کنند

دیروز همچنین سردار حسین محبی سخنگوی سپاه در واکنش به بیانیه‌های بی پایه مقامات آمریکایی گفت: هیچ تغییری در روند مدیریت تنگه هرمز ایجاد نشده است. هرگونه تحرک دریایی شناورهای غیرنظامی و تجاری که منطبق با پروتکل‌های ترانزیتی صادره از سوی نیروی دریایی سپاه باشد و از مسیر مشخص شده با هماهنگی صورت گیرد، دارای امنیت و سلامت خواهند بود. وی تاکید کرد: ضروری است تمام شرکت‌های کشتیرانی و بیمه‌های حمل و نقل، به اطلاعیه‌ها سپاه پاسداران توجه داشته باشند.

اخطار قاطع ارتش

عصر دیروز همچنین روابط عمومی



ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: ناوشکن‌های ایالات متحده آمریکا، ساعتی قبل با خاموش کردن رادارهای خود در دریای عمان، قصد نزدیک شدن به تنگه هرمز را داشتند که بلافاصله پس از روشن کردن رادارهای خود، کشف و با اخطار رادویی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران مبنی بر مخاطرات نقض آتش بس مواجه شدند. در ادامه آمده است: به دنبال بی توجهی ناوشکن‌های آمریکایی صهیونی به اخطار اولیه، نیروی دریایی ارتش، با شلیک تیر اخطار موشک‌های کروز، راکت و پهپاد های رزمی در حوالی شناورهای دشمن متجاوز، هشدار داد؛ مسئولیت و عواقب مخاطره‌آمیز اینگونه اقدامات، متوجه دشمن متخاصم خواهد بود. مطابق تصاویر منتشر شده، موشک‌های کروز ضدکشتی و همچنین تعدادی راکت به سمت شناورهای آمریکایی که قصد عبور از تنگه هرمز را داشته‌اند شلیک شده است. همچنین، سازمان عملیات دریایی انگلیس از یک حادثه در ۱۴ مایلی غرب بندر «صقر» در امارات خبر داد. بنا بر اعلام برخی از منابع خبری این کشتی دچار آتش‌سوزی شده است و هنوز علت آتش‌سوزی مشخص نیست.

گزارش کوتاه

تغییر ریل آموزش و پرورش در دولت سیزدهم

اولین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی الگوی حکمرانی آیت‌الله‌شهیید رئیسی با موضوع نقش حکمرانی آموزش و پرورش عصر امروز با حضور رضا مراد صحرایی و یوسف نوری، وزیران آموزش و پرورش دولت سیزدهم با همت اندیشکده حکمرانی و کشاورزی شهید رئیسی برگزار شد. یوسف نوری وزیر اسبق آموزش و پرورش در این نشست با اشاره به اهمیت آموزش در اندیشه و مدیریت شهید رئیسی اظهار کرد: در دولت شهید رئیسی موضوع اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با جدیت ویژه‌ای دنبال شد. به گفته وی، یکی از اقدامات مهم وی سابقه در این دوره ترسیم الگوی مدرسه در تراز سند تحول بنیادین بود که در دولت سیزدهم نهایی و افتتاح شد. نوری این سند را یک سند علمی، تجربی و مبتنی بر اسناد بالادستی نظام دانست و گفت: این اقدام از مهم‌ترین دستاوردهای دوره اخیر بود.

رضا مراد صحرایی نیز در این نشست با اشاره به اینکه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در دولت سیزدهم از بایگانی خارج و به مرحله اجرا رسید، اظهار کرد: تمرکز اصلی ما در این دوره، ارتقای جایگاه معلم به عنوان رکن اصلی نظام تعلیم و تربیت بود. بر همین اساس، دانشگاه فرهنگیان به عنوان کانون تربیت معلم، دستخوش تغییرات بنیادین ساختاری شد.

وی با بیان اینکه استراتژی دولت در نظام آموزشی، تغییر جهت از نگاه‌های ستادی به سمت «مدرسه» بود، تصریح کرد: برای نخستین بار در تاریخ نظام آموزشی، شورایی تحت عنوان شورای راهبری با حضور اعضای کلیدی از وزارت آموزش و پرورش و سازمان برنامه و بودجه تشکیل شد تا تضادهای بودجه‌ای و اجرایی را حل و فصل کند. این نهاد برای تراز کردن بودجه با نیازهای واقعی مدارس ایجاد شد.

خبر کوتاه

مخبر: فلاکت ابرقدرت‌ها در برابر ایران ثمره درایت رهبر شهید است

مشاور و دستیار مقام معظم رهبری در جلسه مشترک با جمعی از همیاران جوان مدیران با بیان اینکه یکی از وجوه کمتر گفته شده از ابعاد ممتاز رهبری رهبر شهید انقلاب، درایت ایشان در مساله حکمرانی است، گفت: تثبیت ساختار کشور در جنگ اخیر و به فلاکت افتادن ابرقدرت‌های عصر حاضر مقابل ایران عزیز، ثمره سال‌ها رهبری خردمندانه ایشان است. وی همچنین با تاکید بر این اصل که نخبگان نباید صرفاً به فکر کارمند شدن باشند، گفت: ظرفیت جوان نخبه‌مانند بذر پربرکت گندم است؛ نخبه ما وقتی در دستگاه دولتی یا حاکمیتی مشغول به فعالیت می‌شود مانند خوشه‌های گندم که در مزارع کشاورزی رشد و نمو دارد، باید در آن دستگاه یا نهاد رشد کند تا زمینه ارتقای بیشتر محل کار خود را فراهم کرده باشد و در صورت لزوم حتی به فکر شغل دولتی نباشد و به سمت کارآفرینی و مشاوره به مدیران حرکت کند.

خضریان: نباید برای ترامپ دیوانه پنجره خروجی ایجاد کنیم

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت: برخی در داخل می‌گویند که برای ترامپ دیوانه پنجره خروجی ایجاد کنیم. تعجب‌آور است که تحلیلگران چنین چیزی مطرح می‌کنند که این سناریوی خروجی در اختیارش قرار دهیم که این دیوانه‌ای این همه جنایت کرده، بتواند از این معرکه جنگ تحمیلی خارج شود. وی افزود: ترامپ باید پاسخگوی این جنایت‌های انجام داده باشد. ما پنجره خروج برای دشمن جنایتکار، قاتل امام شهیدمان و قاتل کودکان مینابی درست نمی‌کنیم. حتماً جمهوری اسلامی ایران این کار را نخواهد کرد و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اجازه نمی‌دهند چنین اتفاقی رخ دهد.

محدوده

جدید کنترل

تنگه هرمز

اعلام شد

دیروز و در ادامه زنجیره اقدامات نظامی و دفاعی ایران مقابل آمریکا، محدوده جدید تنگه هرمز که توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران کنترل می‌شود اعلام شد. بر این اساس از جنوب خط بین کوه مبارک در ایران و جنوب پاسخگوی این جنایت‌های انجام داده باشد. ما پنجره خروج برای دشمن جنایتکار، قاتل امام شهیدمان و قاتل کودکان مینابی درست نمی‌کنیم. حتماً جمهوری اسلامی ایران این کار را نخواهد کرد و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اجازه نمی‌دهند چنین اتفاقی رخ دهد.

۲۵۰۰

عدد خبر

همزمان با ادامه جنگ در منطقه و افزایش قیمت انرژی، خط فقر در ترکیه از ۲۵۰۰ دلار عبور کرد. حداقل دستمزد ترکیه از ابتدای سال جاری میلادی با ۲۷ درصد افزایش به ۲۸۰۰۷۵ لیر (۶۲۴ دلار) رسید، اما تورم ۳۱ درصدی و جهش هزینه‌های زندگی این افزایش را بی‌اثر کرده است. با این حال، هزینه زندگی ماهانه یک خانواده چهارنفره به بیش از ۱۱۲ هزار لیر (۲۴۸۹ دلار) رسیده که چهار برابر حداقل دستمزد است. هزینه زندگی یک کارگر مجرد نیز ۴۴۰۸۰۲ لیر (۹۹۶ دلار) برآورد می‌شود که نشان‌دهنده شکاف عمیق بین درآمد و هزینه است. در مقایسه با سال قبل، خط گرسنگی ۴۴ درصد و خط فقر نیز ۴۴ درصد رشد داشته است.

۱۳۶

عدد خبر

بانک مرکزی نرخ تسعیر ارز برای گزاری شگری مالی بانک‌ها در پایان سال ۱۴۰۴ را نرخ خرید حواله مرکز مبادله ارز و طلای ایران برای هر ارز در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۴۰۴ تعیین کرد. پیش از این، بانک مرکزی نرخ تسعیر اقلام پولی دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی شبکه بانکی را در ۳۱ شهریور ۱۴۰۴ تعیین کرده بود که در آن زمان هر دلار ۶۹ هزار و ۲۱۵ تومان و هر یورو ۸۱ هزار و ۲۹۷ تومان بود. نرخ خرید حواله دلار در مرکز مبادله در ۲۸ اسفند سال گذشته ۱۳۶ هزار و ۲۳۵ تومان و یورو ۱۵۶ هزار و ۸۷۶ تومان بود؛ یعنی اگر بانکی فقط ۱۰۰ میلیون دلار دارایی ارزی داشته باشد، در صورت‌های مالی پایان سال، ۱۳۰۶ همت گزارش می‌شود.

۱۵

عدد خبر

بانک مرکزی برای کنترل نقدینگی و جلوگیری از رشد تورم، به بازار سپرده قانونی متوسل شده است. این بانک دیروز از افزایش نسبت سپرده قانونی بانک‌ها تا ۱.۵ درصد با هدف مدیریت نقدینگی خبر داد. پیش از این، نسبت سپرده قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی ۱۰ درصد بود؛ یعنی بانک‌ها به ازای هر ۱۰۰ تومان سپرده‌ای که ایجاد می‌کردند، ۱۰ تومان آن را نزد بانک مرکزی نگه می‌داشتند. حالا بانک مرکزی قرار است نسبت سپرده قانونی را در دو مرحله افزایش دهد؛ به طوری که در مرحله اول ۰.۷۵ واحد درصد و در مرحله دوم ۱.۵ واحد درصد افزایش خواهد یافت. با این اقدام، بانک‌ها می‌توانند تسهیلات کمتری پرداخت کنند و احتمالاً نرخ سود نیز افزایش می‌یابد.

۲۵

عدد خبر

در حالی که شاخص‌های سهام آمریکا به رکوردهای جدیدی دست یافته‌اند، یک شاخص کلیدی و خیم‌ترین وضعیت از زمان حساب (دات‌کام) در سال ۲۰۰۰ میلادی را نشان می‌دهد و هشدار جدی برای سرمایه‌گذاران به همراه دارد. تحلیلگران گلدمن ساکس اعلام کردند (وسعت بازار) در شاخص S&P ۵۰۰ که میزان مشارکت سهام در رشد بازار را نشان می‌دهد، به دومین سطح بد خود در چند دهه اخیر و نزدیک‌ترین وضعیت به بحران سال ۲۰۰۰ (۲۵ سال اخیر) رسیده است. این هشدار در حالی مطرح می‌شود که میانگین سهام در این شاخص هنوز ۱۳ درصد با سقف ۵۲ هفته‌ای خود فاصله دارد. تحلیلگران گلدمن ساکس می‌گویند روند صعودی ناشی از شتاب بازار باعث شده (وسعت بازار) سهام آمریکا به یکی از کمترین سطوح در چند دهه اخیر برسد.

توبنیاد از پشت پرده یک پروژه رسانه‌ای برای لاپوشانی

نقش سیاست‌های دولت در گرانی‌های اخیر گزارش می‌دهد؛

ناکارآمدی عامل گرانی

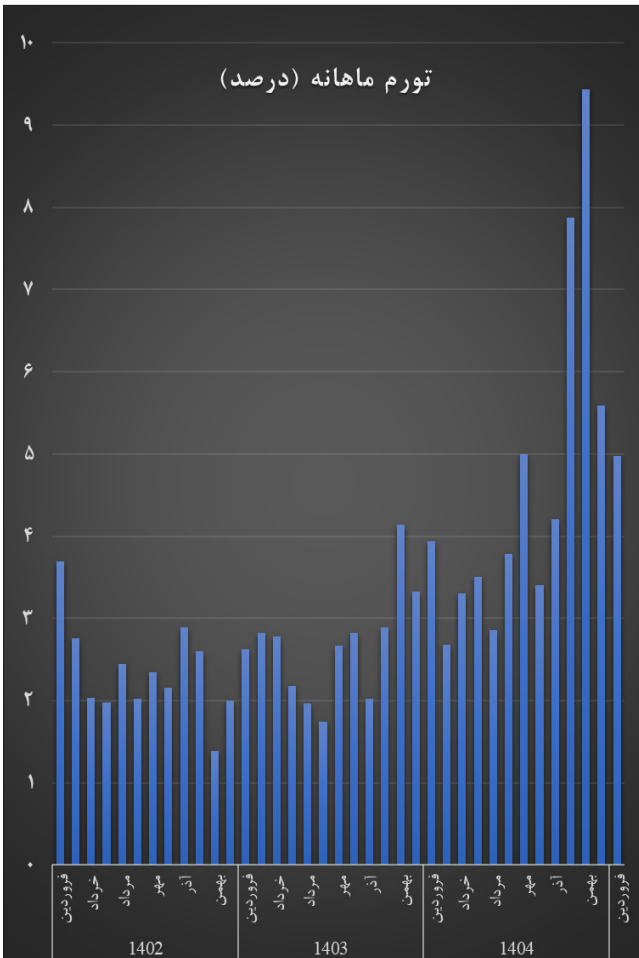
طی ماه‌های اخیر با اجرای طرح عبدالناصر همتی موسوم به «تکنرخی کردن ارز»، موج توری جدیدی در کشور به راه افتاد. براساس این سیاست بانک مرکزی، تخصیص ارز با نرخ ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومان برای واردات کالاهای اساسی (به جز دارو و گندم) لغو شد و تنها یک نرخ، یعنی نرخ مرکز مبادله، به عنوان مبنای تخصیص ارز در نظر گرفته شد. نرخ مرکز مبادله نیز با هدف تکنرخی شدن، با رشدی بیش از ۵۰ درصد در یک روز، به نرخ بازار غیررسمی نزدیک شد. با این اقدام، قیمت کالاهای مشمول ارز ترجیحی که همان اقلام خوراکی اساسی گره‌خورده با معیشت مردم بود، دچار جهش شد.

آثار سیاست ارز تک‌نرخی در جهش توری اخیر است. بهمن سال گذشته، پس از خرداد ۱۴۰۱، بالاترین تورم ماهانه تاریخ پس از انقلاب را در داد که در نتیجه اجرای سیاست ارز تک‌نرخی رخ داد. استفاده از این نرخ به عنوان تورم شرایط جنگی، همان شیطنتی است که دنیای اقتصاد به اسم پیش‌بینی اقتصادی و با هدف معرفی جنگ به عنوان عامل وضعیت فعلی تورم، به آن متوسل شده است. مبنای پیش‌بینی دنیا اقتصاد از نرخ تورم در سناریوی دیگر نیز جالب است. این روزنامه نوشت: «همچنین میانگین تورم ماهانه در چهار ماه منتهی به بهمن ۱۴۰۴ برابر با ۴.۴ درصد بوده که می‌تواند به عنوان مبنایی برای سناریوی «نه جنگ، نه صلح» و تورم ماهانه ۵ درصد مورد استفاده قرار گیرد. در نهایت، نرخ تورم ماهانه ۰.۶۵ درصد در سال ۱۳۹۵، همزمان با دوره توافق برجام، می‌تواند به عنوان مبنایی تاریخی برای برآورد سناریوی «توافق» و تورم ماهانه یک درصد در نظر گرفته شود.» این روزنامه اما توضیح نداد که چگونه تورم چهار ماه پیش از بهمن (مهر تا دی) می‌تواند نماینده سناریوی «نه جنگ، نه صلح» باشد و همچنین میانگین تورم ماهانه سال ۹۵ چگونه به مبنایی برای تورم در سناریوی توافق تبدیل شده است.

در ادامه پروژه لاپوشانی نقش سیاست‌های دولت در رکورد شکنی تورم و بروز گرانی‌های اخیر، این بار روزنامه سازندگی، ارگان رسانه‌ای حزب کارگزاران، وارد عمل شد. این روزنامه در شماره یکشنبه ۱۳ اردیبهشت با تیتر «شرایط جنگی، عامل گرانی» تلاش کرده است گرانی‌های کنونی را به جنگ نسبت داده و در نهایت مسئولان دولت را تبریته کند. ادعاهای سازندگی در حالی مطرح می‌شود که رکورد تورم نقطه به نقطه در دو ماه پیش از آغاز جنگ شکسته شده بود. طبق داده‌های مرکز آمار، نرخ تورم نقطه به نقطه در بهمن ماه سال گذشته و در ادامه مسیر صعودی خود به رکورد تاریخی ۶۸.۱ درصد رسیده بود. با این حال، سازندگی بدون اشاره به موج توری پیش از جنگ تلاش می‌کند گرانی‌ها را به جنگ نسبت دهد. نکته جالب آنکه از قضا تورم ماهانه در دو ماه جنگ (اسفند و فروردین) نزولی شده و به مراتب کمتر از دو ماه پیش از جنگ بوده است.

تورم در سال جاری بیش از گذشته به تحولات و سناریوهای سیاسی پیوند خورده است. در این چارچوب، سه سناریوی اصلی قابل تصور است: دستیابی به یک «توافق» سیاسی میان ایران و آمریکا، تداوم وضعیت «نه جنگ، نه صلح» و در نهایت از سرگیری درگیری‌ها و تشدید تنش‌ها. هریک از این سه سناریو تأثیر بسیار متفاوتی بر تورم خواهد داشت. برآورد‌های «دنیای اقتصاد» مبتنی بر داده‌های تاریخی نیز نشان می‌دهد که شکاف قابل توجهی میان نرخ‌های تورم در این سناریوها وجود دارد؛ به گونه‌ای که حتی در خوش‌بینانه‌ترین حالت، یعنی دستیابی به یک توافق پایدار، پیش‌بینی می‌شود نرخ تورم در میانه سال ۱۴۰۵ به حدود ۴۹ درصد برسد. این در حالی است که در سناریوی تداوم جنگ، اقتصاد با تورم‌های بسیار بالا و سه‌رقمی مواجه خواهد شد؛ وضعیتی که می‌تواند به بی‌ثباتی گسترده اقتصادی منجر شود. از این رو، دستیابی به یک توافق سیاسی از منظر مهار تورم و ایجاد ثبات اقتصادی اهمیتی راهبردی دارد.»

نکته جالب در این گزارش، مبنای پیش‌بینی دنیای اقتصاد در هر سه سناریو است. دنیای اقتصاد نوشت: «میانگین حسابی تورم ماهانه در دو ماه پایانی سال ۱۴۰۴ برابر با ۷.۵ درصد بوده است. با توجه به شرایط جنگی حاکم در این دوره، این مقدار می‌تواند مبنایی برای سناریوی «تداوم جنگ» و در نتیجه تورم ماهانه ۸ درصدی در نظر گرفته شود.» نکته جالب گذشته از نادرست بودن استفاده از میانگین حسابی برای میانگین‌گیری تورم ماهانه و صرف‌نظر از اینکه دنیای اقتصاد به جای میانگین ۷.۵ درصدی خود، عدد ۸ درصد را معیار محاسبه قرار داده و همین امر باعث شده تورم پیش‌بینی شده ۱۰ واحد درصد بیشتر برآورد شود، مبنای قرار دادن تورم ماه پیش از جنگ (بهمن) به عنوان شاخصی برای پیش‌بینی تورم در شرایط جنگ، نخستین شیطنتی این رسانه برای نسبت دادن تورم به جنگ و پنهان کردن



نگاهی به عوامل افزایش قیمت‌ها اخیر؛

از سیاست ارزی تا گرانی‌ها؛ چه کسی پاسخگوست؟

گرانی‌های یکی دو هفته اخیر را باید در چارچوب مجموعه‌ای از رخدادهایی تحلیل کرد که در ماه‌های گذشته در اقتصاد کشور اتفاق افتاده است. وقتی از «رخدادهای عظیم» صحبت می‌کنیم، منظور اتفاقاتی است که توان اثرگذاری بر متغیرهای کلان اقتصادی را دارند.



حمیدرضا مقصودی
کارشناس اقتصادی

اگرچه ممکن است جنگ از حیث انتظارات، اثراتی بر اقتصاد و بازار گذاشته باشد، اما این انتظارات قابل مدیریت است و می‌توان با رفتارهای آرامش بخش در سطح حکمرانی آن را کنترل کرد؛ به‌ویژه در شرایطی که مردم در میدان حضور دارند، انتظارات منفی الزاماً اثر تعیین‌کننده‌ای بر قیمت‌ها نمی‌گذارد؛ یعنی شرایط انتظاری جنگ با واکنش جدی مردم مواجهه شود و انتظارات منفی قیمتی آن‌گونه که تصور می‌شود رخ نداد. در مقابل، واقعیت اقتصاد حاکی از وجود دو اتفاق جدی است. نخست، حذف ارز ترجیحی پیش از جنگ است که آثار آن به‌صورت تدریجی در حال نمایان شدن است. تجربه‌های پیشین، از جمله خرداد ۱۴۰۱ و آبان ۱۳۹۸ در ماجرای افزایش قیمت بنزین، نشان می‌دهد که برخی شوک‌ها فوری و آتی اثر می‌گذارند و برخی دیگر با تأخیر و به تدریج در زنجیره تولید خود را نشان می‌دهند؛ یعنی چند ماه زمان می‌برد تا بروز پیدا کنند.

بخشی از گرانی‌هایی که این روزها رخ می‌دهد ناشی از حذف ارز ترجیحی در دی‌ماه سال گذشته است و اکنون اثرات آن در اقتصاد نمایان شده است. همچنین انتظارات منفی ناشی از بودجه، که در لحظه

تصویب و همزمان با حذف ارز ترجیحی شکل گرفت، اکنون در حال بروز است. این تصمیمات عملاً سیگنال‌های منفی به بازار داد و زمینه افزایش قیمت‌ها را فراهم کرد. در بخش‌هایی مانند نهاده‌های دامی نیز با خالی شدن انبارها و ورود به دوره جدید تأمین، افزایش قیمت‌ها خود را نشان داده است. نکته دیگر به تحولات یکی دو هفته اخیر و پس از جنگ بازمی‌گردد. در شرایطی که انتظار می‌رفت کارخانه‌ها به مدار تولید بازگردند و کمبودها را جبران کنند، برخی صنایع بالادستی از جمله پتروشیمی‌ها، فولادی‌ها و دیگر صنایع بزرگ، اقدام به گران‌سازی‌های قابل توجهی کردند. این موضوع در سازوکار بورس کالا نیز خود را نشان داد؛ به‌گونه‌ای که مواد اولیه پتروشیمی و پلیمری یا عرضه نشد یا با حجم بسیار محدود عرضه شد، آن هم در حالی که موجودی انبارها بالا بود و آسیب جدی به تولید وارد نشده بود؛ برخلاف برخی روایات‌های رسانه‌ای. این رفتارها، از جمله احتکار یا عرضه محدود، به افزایش قیمت‌ها دامن زد.

براین اساس می‌توان سه عامل اصلی برای گرانی‌های اخیر برشمرد: نخست، تبعات سیاست‌های پیش از جنگ به‌ویژه در حوزه حذف ارز ترجیحی و تک‌نرخ‌شدن آن؛ دوم، انتظارات ناشی از جنگ که اثر محدودی داشته است؛ سوم، تحولات پس از جنگ شامل گران‌سازی، احتکار

و کاهش عرضه از سوی برخی بنگاه‌ها و شرکت‌ها. در کنار این موارد، سیاست‌های ارزی دولت نیز نقش مهمی ایفا کرده است. دولت در دی‌ماه سال گذشته نوعی جراحی ارزی انجام داد؛ ابتدا ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی کالاهای اساسی را حذف کرد و سپس نرخ ارز تالار اول مرکز مبادله را با انتقال به تالار دوم ۵۰ درصد افزایش داد. حذف ارز ترجیحی و افزایش نرخ ارز رسمی، به دلیل دلاری بودن بخش قابل توجهی از قیمت‌گذاری‌ها در اقتصاد ایران و به‌ویژه برای مواد اولیه در بورس کالا، باعث شد هزینه‌های تولید به‌طور ناگهانی افزایش یابد و بنگاه‌ها با مشکل نقدینگی مواجه شوند. طبیعی است که این افزایش هزینه‌ها با یک وقفه زمانی در قیمت نهایی کالاها منعکس شود و در سه ماه گذشته و اکنون آثار آن دیده شده و در حال ظهور باشد.

همچنین در حین جنگ نیز به دلایلی مانند کاهش تقاضا برای خرید ارز و محدود شدن واردات برخی کالاها، نرخ ارز در مسیر کاهش قرار گرفته بود، اما دولت با حفظ نرخ رسمی در سطح ۱۳۷ هزار تومان، مانع از افت قیمت شد؛ در حالی که در بازار غیررسمی نرخ‌هایی در حدود ۹۰ تا ۱۱۰ هزار تومان خرید و فروش می‌شد. در ادامه و طی یکی دو هفته اخیر، با عدم کنترل مؤثر بازار ارز از سوی دولت، نرخ‌ها مجدداً افزایش یافته و حتی به حدود ۱۸۰ هزار تومان رسیده است. همه این موارد از علل گرانی‌های اخیر محسوب می‌شود.

تصمیمات اقتصادی باید بر اساس شرایط جنگی باشد

رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین: راهکار کنترل بازار ارز، تزریق ارز... نیست. البته در شرایط جنگی نمی‌توان با همان روش‌های قبلی تصمیم‌گیری کرد. نمی‌توان با کت‌وشلوار و کفش رسمی پای لانچر نشست؛ باید لباس نظامی به تن کرد. اکنون جنگ است و تصمیمات اقتصادی باید بر اساس شرایط جنگی باشد. مدیرانی که در زمان صلح هم کارآمد بودند، در این شرایط هم نمی‌توانند پاسخگو باشند.

بازار انرژی

نفت ایران

همچنان به آسیا می‌رسد

به گزارش الجزیره، در گزارشی نوشت: ایران در سال‌های اخیر تلاش کرده است با بهره‌گیری از مسیرهای جایگزین، اثر تحریم‌های آمریکا بر صادرات نفت خود را کاهش دهد. در این میان، چین به عنوان یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری، نقشی کلیدی در حفظ جریان فروش نفت ایران ایفا کرده است؛ هرچند این مسیر با پیچیدگی‌ها و چالش‌های خاص خود همراه است. ایران برای رساندن نفت خود به بازارهای آسیایی از روش‌های متنوعی استفاده می‌کند که شامل تغییر مسیرهای حمل، استفاده از اسناد تجاری انعطاف‌پذیر و همکاری با شبکه‌ای از واسطه‌هاست. این اقدامات، به گفته ناظران، نشان‌دهنده تلاش تهران برای حفظ سهم خود در بازار جهانی انرژی در شرایط محدودیت‌های شدید است.

گزارش الجزیره با اشاره به استان شانگهای چین، به نقش پالایشگاه‌های کوچک و نیمه‌مستقل موسوم به «قوری‌های چای» می‌پردازد. این پالایشگاه‌ها که خارج از ساختار شرکت‌های بزرگ دولتی فعالیت می‌کنند، به دلیل انعطاف‌پذیری بالاتر توانسته‌اند بخشی از نفت ایران را جذب کنند. به گفته وزارت خزانه‌داری آمریکا که الجزیره به آن استناد می‌کند، چین حدود ۹۰ درصد صادرات نفت ایران را خریداری می‌کند و سهم قابل توجهی از این میزان به همین پالایشگاه‌ها اختصاص دارد. الجزیره با استناد به گزارش وال استریت ژورنال تأکید کرد که این پالایشگاه‌ها نه تنها در برابر فشار تحریم‌ها دوام آورده‌اند، بلکه حتی تلاش‌های دولت چین برای محدودسازی آن‌ها نیز در نهایت کاهش یافته است. به نظر می‌رسد پکن با در نظر گرفتن مزایای اقتصادی این شبکه‌ها، رویکردی عمل‌گرایانه‌تر در پیش گرفته است.

الجزیره به سازوکارهای لجستیکی این تجارت اشاره می‌کند؛ از جمله انتقال محموله‌ها در دریا، استفاده از شرکت‌های واسطه در مناطق مختلف و بهره‌گیری از ناوگان‌های مختلف هویت خود را مدیریت می‌کند. این فرایندها باعث می‌شود نفت ایران پس از رسیدن به مقصد وارد چرخه پالایش شده و به فرآورده‌هایی مانند بنزین و محصولات پتروشیمی تبدیل شود؛ محصولاتی که دیگر منشأ اولیه آن‌ها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در عین حال، این روند با واکنش آمریکا نیز مواجه شده و تحریم‌هایی علیه برخی شرکت‌های چینی اعمال شده است. در مقابل، دولت چین نیز با تأکید بر استقلال تجاری خود، برخی اقدامات متقابل را در دستور کار قرار داده است. اگرچه مسیر فروش نفت ایران به چین با چالش‌هایی همراه است، اما این همکاری به عنوان یک راهکار عملی، به ایران امکان داده است تا بخشی از ظرفیت صادراتی خود را حفظ کرده و در بازار انرژی همچنان حضور داشته باشد.

خبر کوتاه

افزایش مبلغ اعتبار کالا برگ به اردیبهشت نرسید

مرحله بعدی اجرای طرح کالا برگ از امروز آغاز می‌شود، البته بررسی‌ها برای افزایش مبلغ کالا برگ همچنان ادامه دارد، اما افزایش آن در اردیبهشت اعمال نخواهد شد. بر اساس اعلام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مرحله دهم شارژ کالا برگ الکترونیکی از امروز (سه‌شنبه ۱۵ اردیبهشت) آغاز می‌گردد و اعتبار آن به حساب سرپرستان خانوار واریز خواهد شد. مبلغ شارژ به ازای هر نفر، یک میلیون تومان اعتبار در قالب کالا برگ الکترونیکی تخصیص یافته است. مهلت استفاده از اعتبار تخصیص یافته تا پایان خرداد ۱۴۰۵ است. یعقوب اندایش، معاون رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، پیش از این اعلام کرده بود که احتمال افزایش مبلغ کالا برگ وجود دارد و در صورت تصویب، این افزایش ممکن است از ۱۵ اردیبهشت ماه اعمال شود؛ در غیر این صورت اجرای آن به خرداد موکول خواهد شد و اگر تاخیر بیشتری رخ دهد، مابه‌التفاوت ماه‌های ابتدایی سال به حساب مشمولان واریز خواهد شد.

تجارت

درآمد ۸۰ میلیارد دلاری ایران از تنگه هرمز

نشریه «فارین افرز» در گزارشی با ارائه محاسباتی، نشان داد که غرب برای عبور امن از تنگه هرمز چاره‌ای جز تن دادن به واقعیت‌های میدانی و پرداخت هزینه‌های آن ندارد. این مقاله به قلم معاون اسبق وزارت خارجه آمریکا و با محوریت بررسی «بهای صلح» و تضمین امنیت انرژی در خلیج فارس، به ظرفیت شگفت‌انگیز درآمدزایی در تنگه هرمز پرداخته و تأکید می‌کند که تداوم تقابل با تهران، هزینه‌هایی بسیار فراتر از تحمل اقتصاد غرب به همراه خواهد داشت. درآمد ۸۰ میلیارد دلاری؛ مالیات عبور از شاه‌رگ انرژی مهم‌ترین بخش از گزارش فارین افرز، اعتراف به ظرفیت عظیم و پنهان تنگه هرمز برای تولید ثروت است. معاون اسبق وزارت خارجه آمریکا در طرح پیشنهادی خود، محاسبه کرد که اگر برای عبور محموله‌های انرژی از این آب‌راه استراتژیک عوارض و حق ترانزیت وضع شود، ظرفیت تولید درآمدی بالغ بر (۸۰ میلیارد دلار در سال) ایجاد خواهد شد. این ارقام به وضوح نشان می‌دهد که وابستگی اقتصاد جهانی به امنیت تنگه هرمز تا چه حد حیاتی است و کنترل این گلوگاه تا چه میزان می‌تواند به عنوان یک اهرم فشار و منبع تولید قدرت و ثروت برای جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه عمل کند.



بین الملل

از نیروهای آمریکا در کشورهای منطقه خلیج فارس کاسته می‌شود

به گزارش اندیشکده «آمریکن اینترپرایز» خسارات وارد شده به پایگاه‌های نظامی ایالات متحده و متحدانش در خاورمیانه، در هفته‌های ابتدایی عملیاتی موسوم به «خشم حماسی»، می‌تواند پیامدهای مالی و راهبردی گسترده‌ای به همراه داشته باشد.

بر اساس این گزارش، این آسیب‌ها نه تنها توان و استقرار نیروهای آمریکایی را تضعیف کرده، بلکه روند تصمیم‌گیری درباره بازسازی زیرساخت‌های تخریب‌شده را نیز به موضوعی زمان‌بر و پیچیده تبدیل کرده است. تحلیلگران معتقدند پس از انجام تعمیرات و بازسازی‌ها، آرایش نیروهای آمریکا در کشورهای همچون قطر، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، کویت، بحرین، اردن و عراق دستخوش تغییر خواهد شد و به‌طور کلی از تمرکز آن‌ها در منطقه خلیج فارس کاسته می‌شود.

این گزارش می‌افزاید که تاکنون بررسی جامعی درباره میزان خسارات در واشنگتن انجام نشده، اما برآورد اولیه رقم حدود ۵ میلیارد دلار را نشان می‌دهد. این رقم شامل هزینه‌های بازسازی کامل، تعمیر برخی تأسیسات، تغییر کاربری زیرساخت‌ها و حتی رهاسازی برخی پایگاه‌ها است. در عین حال، این برآورد تنها به هزینه‌های مستقیم محدود نبوده و عوامل پنهان مانند هزینه‌های مهندسی، مدیریت پروژه و سایر مخارج غیرمستقیم ناشی از درگیری‌های نظامی نیز در آن لحاظ شده است.



یادداشت

آتش بس صوری، اشغال واقعی

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

تداوم تجاوزات رژیم کودک‌کش صهیونیستی به خاک لبنان، بار دیگر نشان داد که ادعاهای این رژیم درباره «آتش بس» چیزی جز فریب افکار عمومی و خرید زمان برای تثبیت اشغالگری نیست. در حالی که بر اساس توافقات اعلامی، ارتش رژیم صهیونیستی موظف به عقب‌نشینی از جنوب لبنان بوده، شواهد میدانی حاکی از آن است که نه تنها این عقب‌نشینی صورت نگرفته، بلکه دامنه حملات و اشغالگری نیز گسترش یافته است.

شبکه ۱۲ تلویزیون این رژیم به نقل از منابع نظامی اذعان کرده که ارتش صهیونیستی هم‌اکنون کنترل ۶۸ روستا در جنوب لبنان را در اختیار دارد؛ اعترافی که خود به روشنی ماهیت توسعه طلبانه این رژیم را برملا می‌کند. این در حالی است که همزمان گزارش‌ها از درگیری‌های شدید میان نیروهای مقاومت و اشغالگران در مناطق مرزی حکایت دارد و نشان می‌دهد که معادله میدانی برخلاف ادعاهای تل‌آویو، همچنان به ضرر اشغالگران در جریان است. در همین چارچوب، رسانه‌ها از جمله الجزیره از حملات سنگین هوایی به شهرک «برج قلاویه» خبر داده‌اند و همزمان توپخانه رژیم صهیونیستی نیز محیط شهرک «فرون» را به‌طور گسترده زیر آتش گرفته است. این حملات کور، که عمدتاً مناطق مسکونی را هدف قرار می‌دهد، بار دیگر ماهیت ضدبشری این رژیم را عیان می‌سازد. در مقابل، ارتش صهیونیستی طبق روال همیشگی، با صدور بیانه‌ای مدعی هدف قرار دادن یک سکوی پرتاب موشک شده و تلاش کرده تجاوزات خود را توجیه کند؛ ادعایی که بارها به عنوان پوششی برای حمله به غیرنظامیان مورد استفاده قرار گرفته است.

در این میان، مواضع دبیرکل حزب‌الله شیخ نعیم قاسم، نیز تصویری روشن از ارزیابی جبهه مقاومت ارائه می‌دهد. وی با تأکید بر اینکه منطقه در مرحله‌ای خطرناک قرار دارد، تصریح کرده که در لبنان اساساً آتش بس وجود ندارد و آنچه جریان دارد، ادامه تجاوز اسرائیلی-آمریکایی است.

وی با اشاره به پایبندی لبنان به توافق ۲۷ نوامبر ۲۰۲۴ و نقض مکرر آن از سوی دشمن، هدف اصلی این حملات را اشغال سرزمین و سلب حقوق ملت لبنان دانست و تأکید کرد که مقاومت با تکیه بر وحدت داخلی و قدرت میدانی، مانع تحقق اهداف دشمن خواهد شد. شیخ نعیم قاسم همچنین دیپلماسی را تنها در صورتی قابل قبول دانست که به توقف تجاوز منجر شود و هشدار داد که مذاکره مستقیم، امتیازی رایگان به دشمن خواهد بود.

ابعاد فاجعه انسانی نیز تکان دهنده است. بر اساس گزارش وزارت بهداشت لبنان، از دوم مارس تا دوم ماه می، ۲۶۵۹ نفر به شهادت رسیده و ۸۱۸۳ نفر دیگر زخمی شده‌اند. تنها در یک روز، یعنی حملات روز جمعه، ۲۳ نفر به شهادت رسیدند و ۴۱ حمله به مناطق مختلف لبنان ثبت شد. حمله پهبادی به شهرک «صفد البطیخ» نیز نمونه دیگری از این سلسله جنایات است. در عرصه سیاسی، موضع‌گیری مقامات لبنانی نیز قابل توجه است. به گزارش العربیه، رئیس‌جمهور لبنان تأکید کرده که تا رسیدن به نتیجه در مذاکرات، دیداری با نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی انجام نخواهد داد؛ موضعی که نشان دهنده بی‌اعتمادی عمیق به طرفی است که کارنامه‌ای مملو از نقض تعهدات دارد.

واقعیت آن است که هدف اصلی این تجاوزات، اشغال زمین و تحمیل اراده سیاسی بر ملت لبنان است؛ اما تجربه نشان داده که مقاومت، با اتکا به قدرت مردمی و وحدت داخلی، سد محکمی در برابر این زیاده‌خواهی‌ها ایجاد کرده است. آینده این تقابل، نه در اتاق‌های مذاکره تحمیلی، بلکه در میدان مقاومت و ایستادگی ملت‌ها رقم خواهد خورد.

احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

جنایات اسرائیل پس از ۷ اکتبر

از ۷ اکتبر تاکنون، بیش از ۱۰۰۰ فلسطینی در کرانه باختری که بیشترشان غیرنظامی بوده‌اند، به دست ارتش اسرائیل یا شهرک‌نشینان به شهادت رسیده‌اند.

فاران پالیسی می‌نویسد که رژیم اسرائیل عملاً در حال از بین بردن تمام و عیار امکان‌های حداقلی خلق یک کشور فلسطینی است «اسرائیل حال خلق واقعیتی جدید است که به تعبیر اسموتریچ، رویای تشکیل کشور فلسطین را برای همیشه نابود خواهد کرد. ابزارهای انتخاب‌شده برای تحقق این هدف سه‌گانه است: توسعه شهرک‌ها؛ محصور کردن اجباری فلسطینیان کرانه باختری در فضاهای فیزیکی کوچک‌تر؛ و مهم‌تر از همه، افزایش فشار بر تشکیلات خودگردان فلسطین». فاران پالیسی می‌نویسد که از سال ۲۰۲۳ به این سو، دولت نتانیا هو دست شهرک‌نشینان برای خشونت علیه ساکنین کرانه را چنان باز گذاشته که در سه سال حدود ۱۰۰۰ فلسطینی

رژیم اسرائیل چگونه در حال ویران کردن کرانه باختری است؟

جبهه خاموش پروژه نابودی فلسطین

موجودیت رژیم اسرائیل به عنوان یک ساختار جنایت‌آفرین چنان است که این رژیم به صورت هم‌زمان می‌تواند در چندین جبهه مشغول اقدام علیه بشریت باشد. این رژیم در حالی که مشغول نسل‌کشی در غزه است، به ایران نیز حمله کرد، روزانه با حزب‌الله درگیری دارد و در نهایت یک جبهه گسترده شده دارد و آن هم کرانه باختری است. فاران پالیسی در گزارشی به وضعیت سرکوب‌های رژیم اسرائیل در کرانه باختری پرداخته است.

محروم کرد. تا زمان نگارش این متن، اسرائیل از پرداخت بیش از ۵ میلیارد دلار از درآمدهای مالیاتی خودداری کرده است.»

اسرائیل در کرانه باختری یک جهنم محصور ساخته است. فاران پالیسی به خوبی و خامت اوضاع را به تصویر می‌کشد «نتیجه‌ی این اقدام آن است که تشکیلات خودگردان بخش قابل توجهی از حقوق تمام کارکنان خود را مسدود کرده است؛ به طوری که بسیاری از آنان اکنون کمتر از ۴۰ درصد دستمزد خود را دریافت می‌کنند. در همین حال، از آنجا که اسرائیل عبور و مرور فلسطینیان از مرز برای کار را به شدت سرکوب کرده است، نرخ بیکاری در کرانه باختری از ۷ اکتبر تاکنون بیش از دو برابر شده است. بدین ترتیب، هم تعداد کمتری از فلسطینیان شغل دارند و هم بسیاری از شاغلان با کاهش چشمگیر درآمد مواجه شده‌اند.»

در عین حال اسرائیل به تدریج در حال مهندسی جمعیتی و مسکونی کرانه هم است «اسرائیل همچنین در حال اجرای سیاست جابه‌جایی سازمان‌یافته‌ی جمعیت است. بر اساس گزارش‌ها، پس از ۷ اکتبر ۵۹ روستای فلسطینی به‌طور کامل خالی از سکنه شده‌اند و در ۱۶ منطقه‌ی دیگر نیز اخراج‌های نسبی صورت گرفته است. عامل اصلی این پدیده، خشونت شهرک‌نشینان است. این اتفاق تصادفی نیز نیست: اکثریت قریب به اتفاق این مناطق در «منطقه ۴» قرار داشتند؛ بخشی از کرانه باختری که اسرائیل کنترل کامل سیاسی و نظامی آن را در دست دارد و بیشتر شهرک‌نشینان نیز در آن زندگی می‌کنند.»

شهید شدن «خشونت شهرک‌نشینان و ارتش علیه فلسطینیان کرانه باختری همچنان به روند صعودی خود ادامه داد. پیش از این، حضور نظامیان اسرائیلی در شهرهای کرانه باختری پدیده‌ای نادر بود. اما دیگر این‌گونه نیست. در ژانویه ۲۰۲۵، اسرائیل «عملیات دیوار آهنین» را آغاز کرد؛ عملیاتی که به ارتش این کشور اختیارات گسترده‌ای برای ورود به قلمرو تحت کنترل تشکیلات خودگردان فلسطین اعطا کرد. به موازات آن، حملات شهرک‌نشینان به فلسطینیان حداقل سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۵ تقریباً دو برابر شد. نتیجه‌ی این وضعیت آن است که از ۷ اکتبر تاکنون، بیش از ۱۰۰۰ فلسطینی در کرانه باختری که بیشترشان غیرنظامی بوده‌اند، به دست ارتش اسرائیل یا شهرک‌نشینان کشته شده‌اند.»

از سوی دیگر، رژیم اسرائیل حتی از دولت دست‌شناخته خود هم که کارگزار سرکوب فلسطینی‌ها در کرانه باختری است، یعنی دولت خودگردان هم دزدی می‌کند و عملاً در حال از بین بردن آن‌ها است «از زمان امضای «پروتکل‌های پاریس» در سال ۱۹۹۴، اسرائیل همواره درآمدهای گمرکی کالاهای ورودی به کرانه باختری را به تشکیلات خودگردان تحویل می‌داد. اما اسموتریچ در مقام وزیر دارایی به این سیاست پایان داد و تشکیلات خودگردان را به‌طور آتی از نیمی از درآمد سالانه اش

مواضع چین نشان می‌دهد دیپلمات‌های ایرانی نباید فرصت تاریخی امروز را نادیده بگیرند

مثلث اتحاد در برابر هیتلر آمریکا

و شکل‌گیری صف‌بندی جهانی است. این جنگ، نه فقط در میدان نبرد، بلکه در اقتصاد، سیاست و نظم بین‌الملل تعیین تکلیف می‌شود.

جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، از یک درگیری نظامی عبور کرده و به مرحله‌ای ویژه رسیده است؛ مرحله‌ای که شاخص اصلی آن، میزان تاب‌آوری دو طرف در برابر ابزارهای یکدیگر



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

یادداشت خط‌کشی تازه در هرمزو پایان توهّمات امارات

امیرشهبهانی
روزنامه‌نگار

اقدام سپاه پاسداران در بروزسانی نقشه حاکمیت ایران بر تنگه هرمز، از کوه مبارک جاسک تا جنوب فجیره در دریای عمان و از غربی‌ترین نقطه قشم تا ام‌القوین در جنوب خلیج فارس، ترسیم عملیاتی یک نظم جدید امنیتی در حساس‌ترین گلوگاه انرژی جهان بود.

این نقشه، این پیام شفاف را مخابره کرد که امارات متحده عربی دیگر نمی‌تواند پشت حاشیه امن توهمی پنهان شود. این رژیم سرسپرده که مسیر بردگی برای آمریکا و رژیم صهیونیستی را برگزیده و حتی در برابر دیگر کشورهای عربی منطقه نیز رفتاری خصمانه اتخاذ کرده، اکنون مستقیماً در معرض تبعات انتخابات‌های خود قرار گرفته است. تسلط ایران بر رودی‌ها و خروجی‌های تنگه، یعنی پایان بازی‌های دوگانه ابوظبی.

امارات متحده عربی به واسطه جاه‌طلبی‌های احمقانه رئیس‌خود، در سال‌های اخیر به جای درک واقعیت‌های ژئوپلیتیک، مسیر شرارت را برگزیده است. از نقش‌آفرینی‌های بی‌حساب در یمن و شمال آفریقا تا تحرکات در خلیج فارس، همگی نشان‌دهنده یک خطای راهبردی مزمن است. این رفتارها نه تنها این شبه‌کشور را در تقابل با ایران قرار داد، بلکه حتی عربستان سعودی را نیز به چالش کشید و شکاف‌های داخلی میان امارت‌نشین‌ها، به ویژه میان شارجه و ابوظبی را تشدید کرد. تقابل امارات با ایران منجر به این شده است که در دوماه اخیر موتور اقتصاد این شبه‌کشور یعنی گردشگری و بازارهای پولشویی نیز سیاه‌ترین دوران خود را سپری کند.

جنگ تحمیلی سوم اما نقطه عطفی تعیین‌کننده بود؛ جنگی که یکی از جوه تمایز آن، تنبیه ویژه امارات توسط ایران بود. این تنبیه باید چشم حاکمان این شبه‌کشور را به واقعیت باز می‌کرد: ایرانی که در ضعیف‌ترین دوران خود توانست رژیم بعث عراق، قدرتمندترین ارتش عربی منطقه را شکست دهد، برای مهار موجودیت‌های شکننده حاشیه خلیج فارس با محدودیت‌های جدی مواجه نخواهد بود. ضعف‌های جغرافیایی، جمعیت بومی کم و عمق استراتژیک نزدیک به صفر اکثر این کشورها، حقیقتی نیست که بتوان با دلارهای نفتی پنهان کرد. همانطور که پایگاه‌های آمریکایی نیز نه خواستند و نه توانستند به کمکشان بیایند.

در سوی دیگر، این جنگ یک حقیقت مهم را نیز برملا کرد؛ پایگاه‌های آمریکایی در منطقه نه برای حفاظت از این کشورها، بلکه صرفاً برای تأمین امنیت رژیم صهیونیستی ایجاد شده‌اند. ویرانه‌های این پایگاه‌ها در کویت، عربستان، امارات و قطر باید درس عبرتی برای حاکمان این کشورها باشد. مسیر تقابل با ایران، نه تنها سودی ندارد، بلکه هزینه‌های سنگینی به همراه دارد.

لحظه تصمیم در جهان بی‌قرار

اگر همکاری میان ایران، چین و روسیه از سطح مواضع سیاسی فراتر نرود، فرصت مهار یک هژمون در حال افول از دست خواهد رفت. در چنین شرایطی، بازتعریف سیاست خارجی ایران و عبور از نوسانات گذشته، ضرورتی حیاتی است؛ ضرورتی برای مواجهه با جهانی که دیگر شایهتی به گذشته ندارد و قواعد آن در حال بازنویسی است.

تجربه نشان داده است که عقب‌نشینی و خویشتنداری در برابر یک قدرت باغی و بی‌مهتر، نه تنها بحران را مهار نمی‌کند، بلکه آن را تشدید می‌کند. نشانه‌هایی از درک این واقعیت از جمله اقدام چین در ممنوعیت تبعیت شرکت‌ها و پالایشگاه‌های تحریم شده چینی از تحریم‌های آمریکا و مواضع مشترک پکن و مسکو در شورای امنیت درباره نقش واشنگتن در ایجاد بحران تنگه هرمز دیده می‌شود. با این حال، یک چالش جدی در ایران وجود دارد. سیاست خارجی ایران، به دلیل فقدان یک سند راهبردی مدون و پایدار، در دهه‌های اخیر دچار نوسانات شدید شده است. تفاوت رویکرد دولت‌ها (از گرایش‌های غرب‌محور تا نگاه‌ها به جهان غیرغربی) باعث شده که کشور از یک خط ثابت راهبردی محروم بماند. تداوم برخی رویکردهای خوش‌بینانه به آمریکا و حضور تفکر و افراد وابسته به دوران خسارت‌بار حسن روحانی در دولت پزشکیان، حتی در شرایطی که بسیاری از متحدان سنتی واشنگتن نیز به ناکارآمدی این روابط پی برده‌اند، یک ضعف جدی محسوب می‌شود. واقعیت این است که جهان در حال عبور از نظم تک‌قطبی به نظمی چندقطبی است و این گذار، نیازمند بازطراحی اساسی در شاخه‌ها، راهبردها و ساختار نیروی انسانی و توان تخصصی سیاست خارجی کشور است.

جالب‌ترین سخنان تهدید بی‌پروای ترامپ به حمله به کوبا پس از ایران بود. این سخنان، تأییدی بود بر آنچه سال‌ها از سوی نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل مطرح می‌شد یعنی فروپاشی تدریجی قواعدی که با وجود ناعادلانه بودن چارچوب نظم بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم را حفظ کرده بودند. افول هژمون، دیگری مفهوم نظری نیست. گروه هفت توان اقیانوس گذشته را از دست داده، شورای امنیت در برابر بحران‌های نوظهور کاملاً بی‌اثر و منفعل شده و در مقابل، اتحادیه‌های جدیدی در حال شکل‌گیری‌اند. محور همکاری میان چین، روسیه و ایران، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های روشن است: مقابله جدی با اوضاع این محور، پیش از آنکه به انسجام نهایی و قاطع برسند. اما تاریخ هشدار می‌دهد که قدرت‌های در حال افول، معمولاً تنها زمانی می‌شوند. همان‌گونه که مداخلات اروپا در برابر آلمان نازی نه تنها هیتلر را متوقف نکرد که به جنگ جهانی انجامید، امروز نیز بی‌عملی در برابر این روند، می‌تواند به واسطه هیتلر آمریکا (لقبی که ونس سالها قبل به ترامپ داده بود) جهان را به سمت بحرانی بزرگ ترسوق دهد. در این میان، اتحاد، چین، ایران و روسیه با یک آزمون تاریخی مواجه است.

تحولات جاری نشان می‌دهد که جنگ اخیر، دیگر صرفاً تقابل سخت‌افزاری نیست؛ بلکه به صحنه‌ای برای سنجش ظرفیت تحمل، هوشمندی راهبردی و عمق ائتلاف‌ها تبدیل شده است. در یک سو، ایران با تکیه بر ابزارهای ترکیبی و موقعیت ژئوپلیتیک خود به ویژه در گلوگاه حیاتی اقتصاد جهانی توانسته معادله را پیچیده کند و در سوی دیگر، آمریکا و اسرائیل تلاش دارند با ضربات چندلایه، موازنه را به سود خود بازگردانند.

اما آنچه این مرحله را متمایز می‌کند، رفتار غیرمتعارف واشنگتن است. دونالد ترامپ، در همراهی کامل با اسرائیل، بدون کوچک‌ترین تلاش برای جلب نظر ابرقدرت‌های بزرگ مانند چین و روسیه وارد جنگ شد و حتی متحدان اروپایی خود را (که بیشترین آسیب اقتصادی را دیده‌اند) در بی‌اطلاعی نگه داشت. این رویکرد بازتاب یک دگرگونی عمیق در فهم آمریکا از نظم جهانی است.

سخنرانی شامگاه جمعه ترامپ در فلوریدا، این تغییر را به طرز بی‌پرده آشکار کرد. او نه تنها از قواعد و عرف‌های بین‌المللی عبور کرد، بلکه صراحتاً رفتار نیروی دریایی آمریکا را دزدی دریایی نامید و عجیب‌تر آنکه از این رفتار دفاع کرد. قسمت

سیاست خارجی

واکنش بقایایی به یک سوال شیطننت‌آمیز: ایران ابرقدرت است

اسماعیل بقایایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، در پاسخ به سوال شیطننت‌آمیز یک خبرنگار خارجی در نشست خبری روز گذشته، در خصوص اینکه ایران چه ابزاری برای مقابله با آمریکا که ابرقدرت است دارد و چرا عقب‌نشینی نمی‌کند یا کوتاه نمی‌آید، گفت: ما هم ابرقدرتیم. سخنگوی وزارت خارجه همچنین درباره ادعای عملیات آمریکا برای امنیت تنگه هرمز گفت: در مورد نحوه پاسخ ما، کسانی که مسئول پاسخ دهی هستند به خوبی آماده هستند و هم می‌دانند چگونه از منافع ملی ایران دفاع کنند. بیانیه قرارگاه خاتم هم به سرعت منتشر شد. دنیا نه ادعای بشردوستانه آمریکا را می‌پذیرد و نه باور دارد آمریکا می‌تواند از این باتلاق خودساخته با تکرار اشتباهات گذشته خارج شود.

بقایایی خاطر نشان کرد: آمریکا باید درس گرفته باشد که در برابر ایران نمی‌تواند با زبان تهدید و زور صحبت کند. ایران نشان داده که خودش را پاسدار امنیت تنگه هرمز می‌داند. تنگه هرمز قبل از ۹ اسفند محل تردد ایمن بود. جامعه جهانی باید آمریکا را بابت نایمن کردن تنگه پاسخگو کند. حتما کشتی‌ها و شرکت‌ها می‌دانند که اطمینان از امنیت، مستلزم هماهنگی با مراجع ذی صلاح ایران است. این دیپلمات ارشد ایرانی اظهار داشت: حتما صاحبان کشتی‌ها و شرکت‌های کشتیرانی هم به خوبی می‌دانند که اطمینان از امنیت و ایمنی‌شان، مستلزم هماهنگی با مراجع ذی صلاح جمهوری اسلامی ایران است.



تنگه هرمز قبل از ۹ اسفند محل تردد ایمن بود. جامعه جهانی باید آمریکا را بابت نایمن کردن تنگه پاسخگو کند. حتما کشتی‌ها و شرکت‌ها می‌دانند که اطمینان از امنیت، مستلزم هماهنگی با مراجع ذی صلاح ایران است.

حیران در «هزارتو»

ایمان عظیمی
روزنامه‌نگار

یکی از آثار شرطی شدن سینما و شبکه نمایش خانگی به آثار مجعول اجتماعی این است که فیلمساز یادش می‌رود که ژانرها و سبک‌های دیگر هم در این میان نقشی برای جلب نظر مخاطب ایفاء می‌کنند، درحالی‌که می‌توان با یک فیلم یا سریال جنایی و انیمیشن جذاب به محبوبیت دست یافت. در واقع با ریل‌گذاری‌ای که در دهه شصت توسط فارابی و وزارت ارشاد اتفاق افتاد، فیلم‌های به اصطلاح اجتماعی از حاشیه به متن آمدند و این پیام را به سینماگران انتقال دادند که اگر می‌خواهید همچنان در میان جریان اصلی سینما نقشی ایفاء کنید باید حتماً اجتماعی کار شوید و الا با سلاح درجه‌بندی به سراغ‌تان می‌آیم که اگر بخواهید فیلم اکشن، جنایی یا حتی گم‌دی بسازید بدترین شرایط اکران را برای‌تان به وجود بیاوریم.

این نگاه اگرچه باعث معرفی سینمای ایران به جشنواره‌های اروپایی شد و طیفی از فیلمسازان ما را نقل محافل چشم‌آبی‌ها کرد، اما به مرور با راندن باقی ژانرها از سبب بیننده، ژانر فلاکت و گم‌دی را در صدر مجلس نشاناند و باعث شد تا کارگردان و نویسنده ما یادش برود که جز این آثار، ما محصولات دیگری هم داریم که می‌توانیم به واسطه آن دست به تولید کارهای پربیننده بزنیم. بر همین اساس، در سال‌های اخیر آثاری در ژانرهای گوناگون ساخته شده که از شدت سادگی و بلاغت به اولین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران شباهت دارند.

«هزارتو» یکی از همین محصولات محسوب می‌شود. این اثر به اصطلاح درباره مواجهه اطلاعاتی و امنیتی نیروهای ایرانی با موساد است. این خط داستانی خود به خود کلیشه‌ای و تکراری است، که با برخورد سرسری فیلمساز در مرحله پرداخت و اجرا تبدیل به کاری غیرقابل تحمل و در بعضی از موارد گم‌دی ناخواسته می‌شود. مخاطبی که با چند کلیک می‌تواند به بهترین سریال‌ها و فیلم‌های ایران و جهان در ژانر، جاسوسی و پلیسی دست پیدا کند، وقتی با هزارتو مواجه می‌شود از خودش می‌پرسد اگر آدم‌بدها و دشمنان ایران تا این حد احمق هستند چرا تاکنون نابود نشده‌اند؟ لب کلام اینکه هزارتو تنها گم‌دی ناخواسته است، بلکه وهن فیلم جاسوسی است. ای کاش در کنار ناظر محتوایی، اشخاص متخصصی هم وجود داشتند که بر کیفیت آثار نظارت می‌کردند تا پول‌کاربر اینچنین هدر نرود.

نه به جنگ؛ بلندترین صدایی که از هالیوود شنیده می‌شود

در دهه‌های گذشته، فیلم‌های جنگی یکی از ستون‌های اصلی تولیدات هالیوود محسوب می‌شدند. در دهه ۱۹۸۰، سالانه تا حدود ۸۰ فیلم در این ژانر تولید می‌شد، اما این



محمد قربانی
روزنامه‌نگار

و چندلایه‌تر است. در چنین بستری، روایت‌های جنگی هالیوود که غالباً بر الگوهای تکراری، دوگانه‌سازی‌های ساده‌انگارانه و نگاه‌های یک‌جانبه استوار بوده‌اند، دیگر جذابیت گذشته را برای مخاطب جهانی ندارند. به بیان دیگر، تماشاگران در نقاط مختلف جهان، کمتر از قبل پذیرای روایت‌هایی هستند که بوی پروپاگاندا می‌دهند یا تصویری یک‌سویه از واقعیت‌های پیچیده جهانی ارائه می‌کنند. این مسئله، به نوعی با افت محسوس محبوبیت فرهنگی و حتی سیاسی آمریکا در سطح جهانی نیز گره خورده و بر جایگاه صنعت فیلمسازی آن سایه انداخته است.

برخی بر این باورند که آنچه در حال رخ دادن است، مرحله‌ای از بازتعریف و دگرگونی این ژانر است. به کارگیری روایت‌های انسانی‌تر، تمرکز بر پیامدهای روانی و اخلاقی جنگ و فاصله گرفتن از کلیشه‌های قهرمان‌محور می‌تواند راهی برای احیای این گونه سینمایی باشد. در واقع، مخاطب امروز دیگر به سادگی مجذوب روایت‌هایی نمی‌شود که در آنها قهرمانان آمریکایی، بدون پیچیدگی یا تردید، نقش ناجی جهان را ایفا می‌کنند. گوش جهان از فیلم‌های پروپاگاندايي آمريکايي پراست.

در نهایت، سال ۲۰۲۶ را می‌توان نقطه عطفی برای هالیوود دانست؛ لحظه‌ای که این صنعت ناگزیر است میان تداوم الگوهای آشنا و انطباق با واقعیت‌های نوین جهانی، یکی را برگزیند. افزون بر این، پس از جنگ دوازده‌روزه و در ادامه، جنگ اخیر آمریکا با ایران، پیش‌بینی می‌شود که بی‌میلی مخاطبان آمریکایی نسبت به فیلم‌های جنگی به اوج خود برسد. بر اساس آخرین آمارها و نظرسنجی‌ها، این جنگ به عنوان منفورترین جنگ تاریخ آمریکا شناخته شده و حتی از جنگ‌های عراق و ویتنام نیز پیشی گرفته است؛ عاملی که بی‌تردید بر نگاه مخاطبان به روایت‌های جنگی در سینما تأثیر عمیقی خواهد گذاشت.

یکی از نشانه‌های اصلی این روند، کاهش تولید در لس‌آنجلس به عنوان قلب صنعت سینمای آمریکا است. آمارها نشان می‌دهد که تولیدات سینمایی در این شهر در سال ۲۰۲۵ حدود ۱۷ درصد کاهش داشته؛ رقمی که به‌طور مستقیم بر حجم و تنوع تولیدات اثر گذاشته است. کاهش تولید، به‌ویژه در ژانرهای پرهزینه‌ای مانند جنگی، بیش از سایر حوزه‌ها محسوس است. این روند در سال ۲۰۲۶ نیز کاهش می‌یابد.

مخاطب امروز هالیوود، به‌ویژه در میان نسل‌های جوان‌تر، دیگر همان کشتش و علاقه سابق را به روایت‌های کلاسیک جنگی نشان نمی‌دهد. این تغییر ذائقه، صرفاً محدود به ژانر جنگی نیست، بلکه به‌طور هم‌زمان دامنه وسیع‌تری از گونه‌های سینمایی مانند اکشن و ماجراجویی را نیز دربر گرفته است. نشانه‌های آماری این تحول به‌وضوح قابل مشاهده‌اند؛ به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۲۵ تنها ۳۵ درصد از ۱۰۰ فیلم پرفروش سال به این دسته‌ها تعلق داشته‌اند، رقمی که پایین‌ترین سطح از سال ۲۰۱۰ تاکنون محسوب می‌شود. این کاهش سهم، بیانگر نوعی خستگی یا فاصله‌گیری تدریجی مخاطبان از روایت‌های پرتنش، پرهیجان و مبتنی بر درگیری است؛ گویی تماشاگران امروز، به‌ویژه در آمریکا، دیگر تمایلی به غرق شدن در فضای بحران، خشونت و قهرمان‌سازی‌های اغراق‌آمیز ندارند.

در سطح جهانی نیز روندی مشابه در حال شکل‌گیری است. سینمای اروپا و آسیا در سال‌های اخیر بیش از پیش به سمت روایت‌های بومی، درام‌های اجتماعی، و داستان‌هایی با ریشه‌های فرهنگی و هویتی خود حرکت کرده‌اند. این تغییر جهت، نشان‌دهنده تمایل مخاطبان به تجربه روایت‌هایی صادقانه‌تر، ملموس‌تر

برای تامین امنیت باید از مدتی قبل انجام شود. در روزهای جنگ رمضان این اتفاق نیفتاد چون مسئله امنیت با حمله آمریکا و رژیم صهیونی تحت‌الشعاع قرار گرفته بود و نمی‌شد فکری به حال برگزاری کنسرت کرد. اکنون خبر می‌رسد که خوانندگان و گروه‌های نوازندگی برای اجرای کنسرت اعلام آمادگی کرده‌اند، با این تفاهوت که قیمت بلیت با احیای دوباره این فرایند گران‌تر از پیش خواهد شد. این موضوع نگرانی‌هایی را برای مخاطبان جدی موسیقی پاپولار ایران در پی خواهد داشت، زیرا تجربه نشان داده که بالا رفتن بلیت اجراهای صحنه‌ای ارتباط مستقیمی با کیفیت اجراها ندارد. البته آدمی به امید زنده است، ولی ای کاش به جای گرانی‌سازی کنسرت قدری هم به از بین بردن فضای انحصاری موسیقی صحنه‌ای بها داده می‌شد تا خوانندگان به خودشان بیايند و روی کیفیت کار کنند.



حوزه موسیقی صحنه‌ای در مقایسه با دیگر مديوم‌های صنعت سرگرمی بیشترین آسیب را از جنگ تحمیلی سوم متحمل شد. فعالیت سینما، پلتفرم‌ها و تلویزیون در این ایام با تمام محدودیت‌ها به کار خود ادامه دادند و تعطیل نشدند، اما این اتفاق در مورد کنسرت‌ها نیفتاد، چون اجرای صحنه‌ای آثار حاصل یک کار گروهی است و هماهنگی‌ها

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۱

nobonyadonline nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگی

C U L T U R A L

سه شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵ | سال اول | شماره ۳۲۲

یادداشت

دور زدن دولت‌ها

یا مهندسی سلیقه سینما؟

سعید قاسمی
روزنامه‌نگار

ما اجرای تصمیم جدید آکادمی اسکار را اگر بخواهیم خلاصه کنیم، باید گفت که در پی دخالت غیر مستقیم در روند تولید فیلم در کشورهای دیگر است. پیش از این، معرفی نماینده به بخش غیرانگلیسی‌زبان، قصه‌ای بود با نقش آفرینی پرنسزنگ نهادهای رسمی؛ اما حالا هر فیلمسازی می‌تواند بی‌واسطه، اثرش را برای آکادمی اسکار بفرستد بدون اینکه نیازی به تایید کشور مبدأ داشته باشد. تغییری که روی کاغذ بوی آزادی می‌دهد، اما در عمل برای سینمای رسمی ما چندان بی‌هزینه نخواهد بود.

در چنین فضایی، طبیعی است که معادله تولید هم کمی جابه‌جا شود. وقتی مسیر رسیدن به بهترین‌هایی مثل اسکار کوتاه‌تر و شخصی‌تر می‌شود، وسوسه تنظیم محتوا بر اساس ذائقه همان ویتترین هم بیشتر می‌شود. به بیان ساده‌تر، خطر اینجاست که بعضی فیلم‌ها نه برای مخاطب داخلی، که برای داور خارجی نوشته و ساخته شوند. این همان شرطی‌شدنی است که کم‌کم می‌تواند ریشه بدواند و نسبت سینما با واقعیت‌های بومی را سست کند.

از آن طرف، خود اسکار هم بدش نمی‌آید این در را بازتر ببیند. سال‌هاست که وزن معنا و پیام در این رویداد، کم‌کم از فرم و تکنیک سبقت گرفته است. حالا که دسترسی مستقیم‌تر شده، طبیعتاً آثار بیشتری با تأکید بر مضمون‌های خاص راهی این رقابت می‌شوند؛ آثاری که شاید در چارچوب‌های رسمی ما چندان هم راحت جا نگیرند.

با این حساب، نسخه مواجهه را نمی‌شود صرفاً در بستن درها جست‌وجو کرد. تجربه نشان داده هر جا مسیر رسمی بیش از حد تنگ شده، راه‌های فرعی خودشان را پیدا کرده‌اند. شاید وقتش رسیده که به جای سخت‌گیری بیشتر، کمی زمین بازی را عوض کنیم. حذف پروانه ساخت، اگر با اعتماد و نظارت هوشمند همراه شود، می‌تواند بخشی از این گره را باز کند. از آن مهم‌تر، ایجاد جذابیت واقعی برای فیلمساز است؛ اینکه بدانند اگر در همین سیستم کار کنند، دیده می‌شوند، می‌فروشند و امکان رشد دارند.

به هر جهت، اگر سینمای ایران بتواند برای خودش بیرون از مرزها بازاری دست‌وپا کند، دیگر اسکار تنها پنجره رو به جهان نخواهد بود. آن وقت انتخاب رفتن یا نرفتن به این رقابت، نه از سراجبار یا هیجان، که از روی محاسبه و اختیار خواهد بود؛ چیزی شبیه همان بلوغی که سال‌هاست جای خالی‌اش در سیاست‌گذاری فرهنگی حس می‌شود.